شعر نو در سرزمین شعر کهن بالید

بررسی تأثیر شعر نو بر شاعران خراسان به مناسبت زادروز نیما یوشیج

گزارش

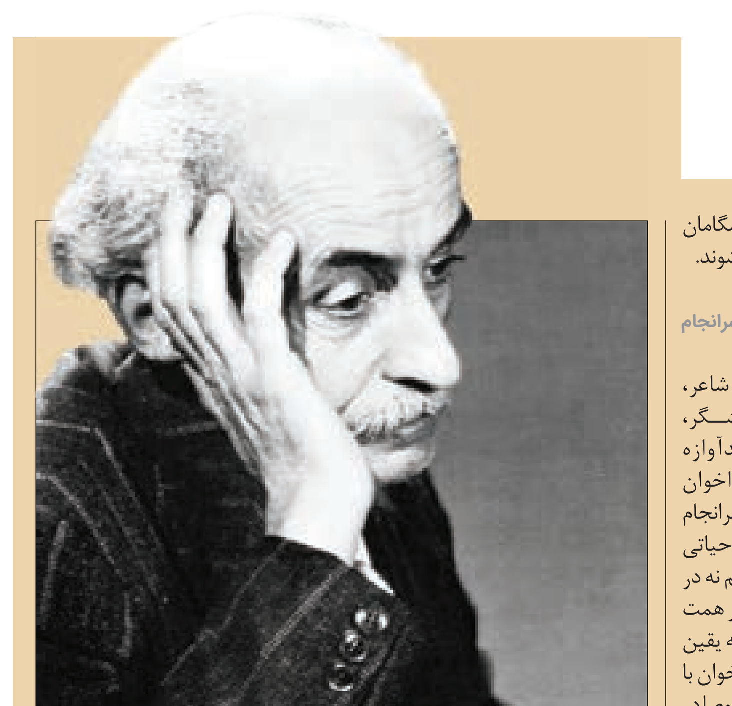

رادمنش| شاید بهترین توصیف برای انقلابی که نیما یوشیج با شعرش انجام داد، همان باشد که خودش گفته است: «آب در خوابگه مورچگان ریخته‌ام». البته این آب در خوابگه مورچگان بعدها چونان موجی عظیم شد که به رانش زمین شعر کلاسیک فارسی انجامید. البته این جریان شعری را مهدی اخوان ثالث با مقالات و اشعارش هدایت کرد و در به سرانجام رسیدن آن بسیار مؤثر بود. خراسان به عنوان پایگاه زبان و شعر فارسی نیز از تأثیرپذیری از این جریان برکنار نبود و علاوه بر اخوان ثالث، شخصیت‌هایی چون محمدرضا شفیعی کدکنی و دیگرانی با شعر و مقالاتشان، با انقلاب نیمایی همراهی کردند. اما اینکه شعر نیمایی به طور اخص بر شعر و شاعران خراسان چه تأثیری گذاشته است و در این راه با چه مقاومت‌هایی روبه‌رو شده، موضوعی است که به مناسبت زادروز نیما، در گفت‌وگو با ۲ شاعر مشهدی یعنی مجید نظافت یزدی و جواد کلیدری به آن پرداخته‌ایم.

● شاعران خراسان از استوانه‌های شعر نو در ایران هستند

هر پدیده نو معمولا با مقاومت از سوی عادات یا شیوه‌های کهن و ریشه دوانده همراه است. اولین نبرد هر چیزی که حرفی تازه برای گفتن داشته باشد با هم‌نوعان خویش است. شعر هم از این قاعده مستثنا نبوده است و نیست. کسی برای نیما و شعرش فرش قرمز پهن نکرد و این چیزی است که مجید نظافت یزدی، شاعر سپیدسرا، در ابتدای صحبت خود به آن اشاره می‌کند و در تشریح دلایل آن می‌گوید: عده‌ای اول مقوله شعر نو را جدی نگرفتند و فکر کردند یک چیزی هست و تمام می‌شود. یک عده‌ای کم و بیش شعر نو را فهمیدند اما تعصبی که روی گونه‌های کلاسیک شعر داشتند باعث شد موضع داشته باشند. براساس یک توهم یک مقاومت جدی هم وجود داشت که فکر می‌کردند شعر نو با آیین و مذهب مشکل دارد و شعر نو یعنی شعر الحاد. این چند موضوع باعث شد شعر نو با مقاومتی در سراسر کشور روبرو شود. منتها تهران با توجه به بازتر بودن فضا و اجتماع گسترده‌تر شاعران از این مقوله زودتر عبور کردند و مقاومت‌ها با سرعت بیشتری رنگ باخت، اما در استان‌ها مانند خراسان، تبریز یا جاهای دیگر مقاومت بیشتر ادامه پیدا کرد و شاعران کهن‌سرا با یک سری کج‌فهمی‌ها سعی کردند ریشه شعر نو را، هنوز که نهال بارآوری نشده است، قطع کنند. منتها حرکتشان با توفیق قرین نشد. در خراسان ما برخی انجمن‌های کلاسیک حتی تا همین چهل‌پنجاه سال پیش، شاعران نوسرا را به انجمنشان راه نمی‌دادند یا سرودن شعر نو در انجمنشان را ممنوع کرده بودند.

او ادامه می‌دهد: مقاومت‌ها همین‌طور ادامه داشت، اما مثل هر پدیده‌ای که مبنایی داشته باشد، شعر نو از این مقاومت‌ها عبور کرد و در خراسان هم ریشه دواند و محلی پیدا کرد و کم‌کم حتی بعضی از خراسانی‌ها از سردمداران شعر نو کشور هم محسوب شدند. به‌هرحال خراسان به عنوان مسقط‌الرأس شعر فارسی نشان داد در گونه‌های جدیدتر شعر هم حرفی برای گفتن دارد. امروز هم می‌بینیم که تقریبا نیمی از شاعران خراسان به شعر نو تکلم می‌کنند و با لهجه شعر نو شعر می‌گویند که در کشور هم از استوانه‌های شعر نو محسوب می‌شوند. شاعران کلاسیک‌سرا هم پذیرفته‌اند که نمی‌شود با شعر نو مقابله و جلوی زمان را سد کرد.

شاعر مجموعه شعر «بر لبه خویش» نام‌آورترین شاعر نوسرای خراسان را مهدی اخوان ثالث می‌داند که جایگاه شناخته‌شده‌ای دارد و به عنوان یکی از استوانه‌های شعر نو در کشور مطرح است و نیاز به معرفی و تأکید ندارد و خاطرنشان می‌کند: شاعر نوسرای دیگری که اقبال ایشان به شعر نو و اقبال جامعه به شعر ایشان امتداد پیدا کرده است، آقای کلاهی اهری است. ایشان در کشور شاعر شناخته‌شده‌ای هستند و بیشتر کارشان شعر نو است و از پیش از انقلاب تا امروز با شعر نو محشور بوده‌اند و جشنواره شعر فجر یک بار ایشان را به عنوان شاعر برگزیده شعر نو انتخاب کرده است. ایشان و عده‌ای از دوستان همراهشان از مشهورترین پیشگامان شعر نو در خراسان محسوب می‌شوند.

● اگر اخوان نبود، شعر نیما به سرانجام نمی‌رسید

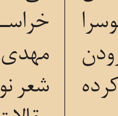

جواد کلیدری، شاعر، منتقد و پژوهشگر، نقش شاعر بلندآوازه مشهد، مهدی اخوان ثالث، را در به سرانجام رسیدن شعر نیمایی بسیار مهم و حیاتی می‌داند و می‌گوید: همه می‌دانیم نه در خراسان که در تمام ایران اگر همت مهدی اخوان ثالث نبود، قریب به یقین شعر نو به سرانجام نمی‌رسید. اخوان با مقالات متعددی که نوشت، مخصوصا در کتاب «عطا و لقای نیما» و «بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج» و جز این‌ها، مقالات و گفت‌وگوهایی که در روزنامه‌ها دارد، در واقع کاری انجام داد که نیما توانست شعر نو را به سرانجام برساند. اخوان نگاه شاعران کلاسیک‌سرا را به این سمت هموار کرد. چون آن‌ها نگاه بسته و متعصبانه‌ای به شعر کلاسیک داشتند و هر نوع هنجارشکنی را در نُرم زبان برنمی‌تابیدند. بنابراین آدم باسوادی مثل اخوان ثالث توانست به صورت علمی و کاملا دانشگاهی این راه را هموار کند، مشکلات را برشمرد و ضعف‌های شعر کلاسیک را و لزوم وجود شعر نو را مطرح کند. جز اخوان افراد دیگری هم در خراسان بودند که با شعر نوشتنشان این کار را کردند، مانند استاد شفیعی کدکنی.

شاعر مجموعه شعر «قطار ساعت هفت» در ادامه استدلال‌هایش برای نقش شاعران خراسان به ویژه میم. امید در به ثمر رسیدن شعر نو، یادآور می‌شود: اگر آدم کم‌سوادی در شعر نو از نیما تأثیر می‌گرفت و این‌گونه شعری می‌نوشت، شاید مردم و شاعران جدی‌اش نمی‌گرفتند، اما وقتی کسی مثل اخوان که ذهنش کلاسیک بود، یا شفیعی کدکنی که پایه محکمی در شعر کلاسیک داشت و قالب‌های کلاسیک را کاملا تجربه کرده بود و پشتوانه‌ای قوی در زبان فارسی داشت، شعر نو گفت، شاعران به سمتش رفتند و استقبال کردند.

او در برشمردن شاعران خراسانی تأثیرگرفته از شعر نیمایی و تأثیرگذار بر آن می‌گوید: عده دیگری بودند در دهه ۴۰ و ۵۰ که کتابی با عنوان «هفت» را درآوردند و شخصیت‌هایی بودند که بعد از آن نسل تأثیرگذار بودند که می‌توانیم از رضا افضلی، کلاهی اهری، دبیری جوان و عده‌ای مانند این‌ها یاد کنیم که یا با نوشتن مقالات یا با سرودن شعر تأثیرگذار بودند. خود شعر سرودن خیلی مهم است، یعنی ما از این قالب و شکل کار استقبال می‌کنیم.

کلیدری در مورد مقاومت‌ها در خراسان در برابر جریان شعر نو نیز بیان می‌کند: قطعا بحث‌هایی بوده است، همان‌طور که در تهران و دیگر محافل شعری کشور وجود داشته است، اما خراسانی‌ها در طول زمان، سنجیده‌ترین و کامل‌ترین شکل زبان را داشته‌اند. وقتی می‌گوییم زبان خراسانی است، یعنی زبانی که شکل کامل و پخته دارد. در طول مسیر این چند دهه خراسانی‌ها نشان داده‌اند که زبانشان به شلختگی نرسیده است. نه تنها در شعر نو، بلکه در همین دوران اخیر که غزل پست‌مدرن و غزل‌های نویی را از شاعران جوان‌تر در پایتخت و دیگر شهرستان‌های ایران می‌بینیم، شاعران خراسان هرگز زبان را دست کم نگرفتند. یعنی سعی می‌کردند اگر نوآوری هم می‌کنند از آن شکل سالم زبان خارج نشوند که به نحوی پشت کرده باشند به فردوسی و بیهقی و مفاخری که پیش از آن‌ها در این سرزمین زندگی می‌کردند. حدس می‌زنم اگر کسانی مخالفت هم می‌کردند به خاطر دغدغه‌ای بوده است که خراسانیان برای زبانشان داشته‌اند.

● نمی‌شود برای شعر خط و نشان کشید

شاعر مجموعه «کادوی غمگین» در مورد وضعیت امروز شعر نو در خراسان و تأثیر شعر سپید بر این‌گونه شعری می‌گوید: فضای شعری و ادبی شهرها و استان‌های کشور از هم متأثر هستند و مثلا اگر می‌بینیم شعر نیمایی در خراسان اقبال زیادی ندارد، در پایتخت هم همین‌طور است. بعد از نیما روزبه‌روز از اقبال به این‌گونه شعری کاسته شد. شعرهای درخشانی که در شعر نو دیدیم، همان شعرهایی است که اخوان و نیما سروده‌اند. بعد از آن خیلی شعر نو را نمی‌بینیم، مثل قالب‌هایی که در گذشته بود و کم‌کم کم‌رنگ شد. شعر جریان خودش را طی می‌کند. این طور نیست که بخواهیم برای یک قالب یا یک سبک شعری خط‌ونشان بکشیم. خود شعر و خود شاعران خط مشی را آزادانه انتخاب می‌کنند. خودشان می‌فهمند که در کدام قالب می‌شود بهتر ظاهر شد و قدرت زبان در کدام قالب بهتر است. بنابراین با خط مشی‌ها و مانیفست دادن نمی‌شود برای قالب شعری تصمیم‌گیری کرد. به نظر من شعر نو نیمایی نتوانست همراه شعر سپید راه بیاید و همین باعث شد عقب بماند.

کتابخوان

شهر، ماسک، خشونت

نگاهی به رمان «پترزبورگ» که به تازگی ۲ ترجمه از آن منتشر شده است

از آثار مهم ادبیات روسیه که به تازگی به فارسی منتشر شده، رمان «پترزبورگ»، نوشته آندری بیه‌لی است. مشهور است که ناباکوف این اثر را به عنوان یکی از ۴ رمان مهم قرن بیستم می‌ستود و تأثیرش بر نوشتار مدرن انکارناپذیر است، رمانی که شهر سن‌پترزبورگ در آن نه تنها بستر داستان که خود یکی از قهرمانان داستان است. از نکات جالب توجه در مورد انتشار این رمان در ایران این است که ۲ مترجم (افتخار نبوی‌نژاد از زبان فرانسه و فرزانه طاهری از انگلیسی) آن را به فارسی برگردانده‌اند و هر ۲ ترجمه در یک هفته به بازار آمده است. بیژن اشتری مترجم و مهدی یزدانی خرم نویسنده و روزنامه‌نگار در صفحه اینستاگرام خود به معرفی این اثر پرداخته‌اند که در ادامه می‌آید.

● پیش‌بینی ظهور خشونت عنان‌گسیخته

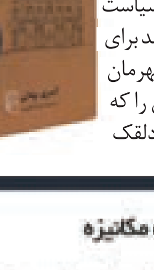

بیژن اشتری، مترجم: «موقع خواندن رمان پترزبورگ و قرار گرفتن در فضای آشفته و دهشتناک اجتماعی و سیاسی شهر پترزبورگ به یاد تهران امروز خودمان افتادم. ما هم در دنیایی زندگی می‌کنیم که قدرت زیبایی دیگر هیچ اشارتی بر خوبی ندارد. ما در جامعه‌ای ماسک‌زده زندگی می‌کنیم و در پشت هر ماسکی می‌تواند شرارت و نفرت هولناکی نهفته باشد. در رمان شاهد مقایسه‌ای بین تئاتر و سیاست هستیم و دلقک‌ها و عروسک‌ها استعاره‌هایی هستند برای به تصویر کشیدن آنارشیست‌ها و انقلابیون. ضدقهرمان قصه، پسری است انقلابی که می‌خواهد پدرش را که فرماندار پترزبورگ است ترور کند. پسر ماسک دلقک به چهره دارد که در دنیای سمبولیستی‌ای که نویسنده آفریده نماد خشونتی دهشتناک است. دلقک هیچ منطقی ندارد جز یک منطق و آن نفی محیط اطرافش است و بی‌دلیل نیست که «جوکر»، دلقک مدرن، قدرتمندترین «بد من» سینماست. رمان پترزبورگ درباره همین وحشت عنان گسیخته بی‌حساب و کتاب است. نویسنده ۱۲ سال قبل از انقلاب اکتبر ظهور خشونت عام، فراگیر و بی‌دلیلی را پیش‌بینی کرد که در دوره استالین به اوج خودش رسید.»

● زندگی در سایه و زیر ماسک

مهدی یزدانی خرم، نویسنده و روزنامه‌نگار

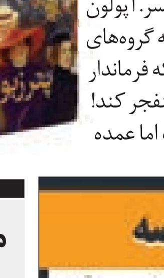

«پترزبورگ» یکی از نمادهای ادبیات سمبولیستی است و آندری بیه‌لی نویسنده‌ای نوگرا و شاعرمسلک. اول اینکه خواندن این رمان کار دشواری است، بنابراین مخاطبانش در تمام دنیا برای رمزگشایی و درک ارجاع‌های فراوانش نیاز دارند به شناخت تاریخ روسیه در ۱۵ سال اول قرن بیستم و البته درک فرم روایی و انواع گفت‌وگوهایی که نویسنده جاه‌طلبش با نویسندگان پیش از خود می‌کند. از گوگول تا گنچاروف، از داستایفسکی تا تورگنیف. رمان عملا در ۲ شب رخ می‌دهد. داستان پدر و پسر. آپولون و نیکلای. پسر که در عالم سرخوشی به گروه‌های انقلابی قول داده پدرش را که فرماندار پترزبورگ است با بمب منفجر کند! این خط اصلی داستان است اما عمده اثر عملا در فضایی رؤیاگون است. در تمام رمان سایه‌ها در حال هیاهو و تکان‌دادن پرچم‌های سرخ هستند. صدای پای انقلاب می‌آید. از سویی انواع شخصیت‌های سایه‌وار را در رمان می‌بینیم که هرکدام از جایی از سنت ادبیات روسیه بیرون آمده‌اند و شهر پترزبورگ قهرمان اصلی است و مجسمه سوارکار مفرغی و روح پوشکین. نویسنده مدام در حال ارجاع است. ارجاع به تاریخ، سیاست و آدم‌ها. از همه مهم‌تر حمله به رئالیسم و برخورد دومینووار شخصیت‌ها. هر شخصیت دیگری را راه می‌اندازد. پترزبورگ مدام در محاصره سایه‌هاست. بیه‌لی با تردید به انقلاب می‌نگرد و در عین حال از نظام کهنه و متصلب حاکم نیز نفرت دارد. نوعی بلاتکلیفی در استراتژی او نسبت به این جهان درهم ریخته وجود دارد. قهرمان‌های او در وضعیتی مضحک در حال اثبات خود هستند. ماسک‌پوش‌ها و مهمانی‌های بالماسکه قلب رمان را تشکیل می‌دهند و از سویی انقلابی‌هایی که از زیر زمین بیرون آمده‌اند. رمان مدام در حال ساختن رمز است و اجرای کابوس‌ها و خواب‌ها. پدر و پسر هر ۲ در خواب‌ها جهان دیگری دارند و از سویی یک دانشجوی فقیر انقلابی را داریم که مانند راسکولنیکوف [شخصیت اصلی رمان جنایت و مکافات داستایفسکی] در تب می‌سوزد. مخاطب رمان «پترزبورگ» باید با نویسنده همراه شود و مدام کشف کند. هرچند مترجم‌ها انواع توضیحات و پانویس‌ها را آورده‌اند اما به‌نظرم مخاطب باید شخصا این تکه‌ها را کشف کند. زبان رمان بسیار شاعرانه است و این شاعرانگی با فضا کم و زیاد می‌شود. بیه‌لی تراژدی بزرگی نوشته و در عین حال رگه‌های طنزآلودی ساخته است که در آن تاریخ سرگیجه گرفته و در حال تماشای هیاهوی خیابانی‌هاست. خواندن پترزبورگ برای من تجربه شگفتی بود.»

صاحب خبر

معرفی نامزدهای بخش نقد ادبی جایزه «جلال»

هیئت داوران بخش نقد ادبی دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد، اسامی ۶ نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی این بخش را اعلام کرد. اسامی نامزدها به ترتیب الفبا به شرح زیر است: «بومی‌سازی رئالیسم جادویی در ایران» به قلم محمد حنیف و محسن حنیف از انتشارات علمی فرهنگی، «تحلیل سوژه در ادبیات داستانی فرامدرن» به قلم فرزاد کریمی از انتشارات روزنه، «درباره مانایی و میرایی» به قلم احمد شاکری از انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، «دوره‌بندی در تاریخ ادبی» به قلم ناصرقلی سارلی از نشر خاموش، «رمان اسطوره‌ای، نقد و تحلیل جریان اسطوره‌گرایی در رمان فارسی» به قلم سید علی قاسم‌زاده و سعید بزرگ بیگدلی از نشر چشمه، «نظریه و نقد ادبی درس‌نامه میان رشته‌ای» به قلم حسین پاینده از انتشارات سمت. این ۵ اثر به داوری مریم حسینی، محمدرضا سنگری و ابوالفضل حری به مرحله نهایی داوری دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد راه پیدا کرده‌اند.

آگهی مناقصه
موضوع: مناقصه نوبت دوم احداث یک دستگاه پل عابر پیاده مکانیزه
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد اجرای عملیات احداث یک دستگاه پل عابر پیاده واقع در بزرگراه باباناظر ۷۲ به متراژ ۱۱۰ متر طول شامل خرید، نصب و راه اندازی، خدمات فنی و پشتیبانی را به شرکتهای واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای رتبه ۵ ابنیه و ساختمان یا ۵ تأسیسات و تجهیزات و ثبت نام شده در سامانه تأمین کنندگان شهرداری مشهد دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مشهد حدفاصل بلوار وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانهای سازمان و یا به سامانه مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد مراجعه نمایند. آخرین مهلت دریافت و ارائه پیشنهاد اسناد مناقصه: ساعت ۱۴:۱۵ روز شنبه ۱۳۹۸/۰۹/۰۲.
مبلغ برآورد مناقصه: ۱۵.۲۱۷.۴۹۰.۷۰۲ ریال. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۷۶۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال. متقاضیان موظف به ارائه تأییدیه ظرفیت آزاد از مراجع ذی صلاح می باشند. ضمنا ظرفیت آزاد تا روز ابلاغ قرارداد می بایست تداوم داشته باشد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۶۶-۶۵ - ۳۱۲۹۸۰۴۱ تماس حاصل نمایید.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد) جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

رویداد

حضور چشمگیر شهرستانی‌ها در جشنواره تئاتر استان

نام ۱۵ اثر راه‌یافته به جشنواره تئاتر استانی اعلام شد

عکس: نیما نجف‌زاده | شهرآرا

زوزنی| اسامی آثار راه‌یافته به بیست‌ونهمین جشنواره تئاتر استان خراسان رضوی ظهر دیروز در یک نشست خبری در حضور خبرنگاران اعلام شد. در این نشست محمدرضا محمدی، دبیر جشنواره و معاون امور هنری سینمایی اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، آرش خیرآبادی، دبیر اجرایی جشنواره و رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان، و تعدادی از داوران بازبین جشنواره حضور داشتند و دست‌اندرکاران بیست‌ونهمین جشنواره تئاتر استان گزارشی از عملکرد دبیرخانه و ستاد برگزاری درباره چندوچون نحوه انتخاب آثار و برگزاری این رویداد به خبرنگاران حاضر در نشست ارائه کردند. همچنین در پایان از پوستر جشنواره رونمایی شد. این جشنواره از ۲۷ تا ۳۰ آبان در مجموعه تئاتر شهر مشهد و سالن اشراق حوزه هنری برگزار خواهد شد و دو نمایش برگزیده برای حضور در جشنواره بین‌المللی فجر معرفی خواهند شد.

● اسامی آثار راه‌یافته به جشنواره

بنا به آنچه محمدی گفت، بدون اولویت، «آدیداس» به کارگردانی پویا غازی، «حادثه در نوسا» به کارگردانی دانوش یزدان‌پناه، «ژنتیک» به کارگردانی مهسا غفوریان، «مکبث» به کارگردانی امین رضایی و وحید عباسی و مسعود میرنیک‌زاد، «نسخه پشتیبان» به کارگردانی علی ایزدپناه، «زن سرخ‌پوش» به کارگردانی مجید بخششیان، «سونامی» به کارگردانی احسان روحی و «ناحملط» به کارگردانی مسعود صفری، آثاری هستند که به‌طور قطعی از مشهد به این جشنواره راه یافته‌اند. همچنین «دور سه‌فرمون با ماری» به کارگردانی رضا بیقشی از سبزوار، «منیژه ۱۴۰۰ و چند» به کارگردانی رضا حسن‌زاده از خواف، «پرونده عجیب مرگ آقایان ف،عین، عین،الف» به کارگردانی رضا مهدوی از گناباد، «چرا خداحافظی نکردی با نجمه سورچی» به کارگردانی محمد رضایی از نیشابور، «آوات» به کارگردانی رسول محمدنیا از تربت‌جام و «نفت» (اثر برگزیده جشنواره مطهر) به کارگردانی عبدالحسین مهرکام از فریمان، آثاری هستند که قطعی از شهرستان به این دوره از جشنواره راه یافته‌اند.

● اعلام نمایش‌های رزرو

به گفته معاون هنری اداره ارشاد استان، به‌ترتیب اولویت، «کشیده» به کارگردانی هادی سکاکی از نیشابور

و «استکهلم» به کارگردانی مسعود زرگران از مشهد دو اثر رزرو گروه اول هستند.

محمدی خاطرنشان کرد که آثار قطعی و ذخیره باید به تایید «شورای نظارت و ارزشیابی تئاتر استان» برسند و درصورتی‌که این آثار به هر علتی تایید نشوند، از فهرست حذف و آثار دیگر جایگزین آن‌ها خواهند شد. به همین منظور، دبیر جشنواره تئاتر استانی آثار جایگزین (رزرو دوم) را به این شرح معرفی کرد: «برچسب» به کارگردانی احسان عاقل از کاشمر و «دژاوو» به کارگردانی هلیا جنگی، «موجود سوم» به کارگردانی احسان نگهبان و احسان دبیر، «کارنامه بندار بیدخش» به کارگردانی امیرحسین عبادی و «جنگ سوم» به کارگردانی داوود شال‌فروشان از مشهد، به‌ترتیب اولویت جایگزین هریک از تئاترهایی خواهند شد که از فهرست اصلی یا ذخیره حذف شوند.

● اضافه شدن یک اثر به پیشنهاد دبیر اجرایی

به گفته خیرآبادی، این تعداد از آثار، از میان ۱۴۵ اثری که متقاضی حضور در جشنواره استانی تئاتر بودند انتخاب شدند که ۱۲۰ اثر به مرحله بازبینی رسیدند. از این تعداد ۳۰ اثر در مرحله بازخوانی متن حذف شدند و درنهایت بعد از بازبینی ۹۰ نمایش در مدت یک ماه توسط داوران بازبین، آثار نهایی مشخص شدند. در این دوره، حضور شهرستان‌های غیر از مشهد چشمگیر است و حدود نیمی از آثار راه‌یافته را تشکیل می‌دهد. همچنین همه آثار راه‌یافته با متن‌های بومی هستند.

در ساعات پایانی روز گذشته امور رسانه‌ای جشنواره اعلام کرد نمایش «کشیده» به کارگردانی هادی ساکی از نیشابور که پیش‌تر نامش در میان آثار رزرو آمده‌بود، به پیشنهاد آرش خیرآبادی، دبیر اجرایی جشنواره، و با موافقت محمدرضا محمدی، معاون امور هنری و سینمایی اداره‌کل ارشاد استان و دبیر بیست‌ونهمین جشنواره تئاتر خراسان‌رضوی، به جمع آثار برگزیده این جشنواره راه یافت. بر این اساس ۱۵ اثر نمایشی در جشنواره امسال حضور خواهند داشت.

به روایت تصویر

«ذهن زیبا» در ارغوان

نمایشگاه گروهی نقاشی و طراحی «ذهن زیبا» با گالری‌گردانی جواد حکم‌آبادی، این روزها در نگارخانه ارغوان برپاست. در این نمایشگاه منتخب، آثار نقاشی و طراحی ۱۸ هنرمند به نمایش درآمده است. نمایشگاه «ذهن زیبا» تا پنجشنبه ۲۳ آبان ادامه دارد و علاقه‌مندان به بازدید آن می‌توانند در ایام برگزاری از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به محل نگارخانه ارغوان واقع در بولوار سجاد، بین سجاد ۲ و ۴، پلاک ۸۶ مراجعه کنند.

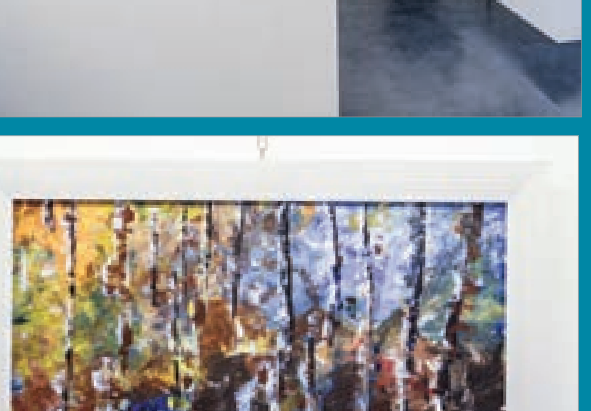

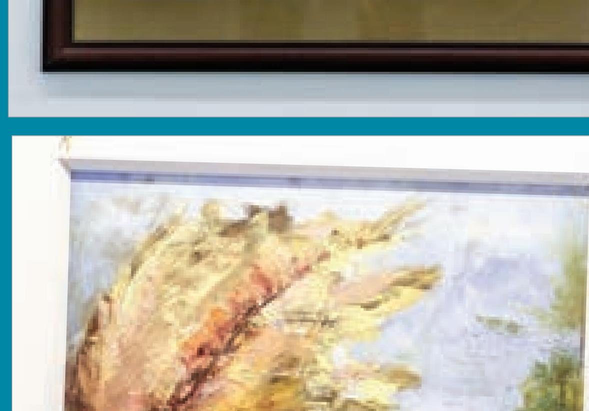

عکس‌ها: مصطفی عباسی | شهرآرا

زندگی با سینما

آخرین اثر فرزاد مؤتمن تمام خاطره‌های خوشتان از آثار این فیلمساز را نابود خواهد کرد

فیلمی برای چشم‌وگوش‌بسته‌ها!

شریف شیرزاد| دوستی دارم که سخت شیفته «شب‌های روشن» (۱۳۸۱) است، تاحدی که آن را جزو فیلم‌های برتر تاریخ سینمای ایران می‌داند. شاید باشند کسان دیگری که چنین نظری درباره این فیلم فرزاد مؤتمن دارند، اما تعدادشان قطعا بسیار اندک است؛ به‌عبارتی دیگر می‌شود گفت که «شب‌های روشن» حالا یک فیلم «کالت» (cult) شده است، از همان فیلم‌هایی که اخیرا مؤتمن هر شب یکی از آن‌ها را توی صفحه اینستاگرامش معرفی می‌کند، هم‌سنخ «کله‌پاک‌کن» (Eraserhead, ۱۹۷۷)، «مرده شریر» (The Evil Dead, ۱۹۸۱)، «موجود» (The Thing, ۱۹۸۲)، «بلید رانر» (Blade Runner, ۱۹۸۲)، «لبوفسکی بزرگ» (The Big Lebowski, ۱۹۹۸)، «دانی دارکو» (Donnie Darko, ۲۰۰۱)، «تنها عاشقان زنده ماندند» (Only Lovers Left Alive, ۲۰۱۳) یا «هامون» (۱۳۶۸) در سینمای خودمان.

یکی از فیلم‌های کالت که احتمالا سینمادوستان زیادی آن را دیده‌اند و به‌خاطر دارند فیلم پرسوزوگداز «داستان عشق» (Love Story, ۱۹۷۰) است، مشهورترین اثر آرتور هیلر. اما، همان‌طور که مهرزاد دانش در مطلبی تحت‌عنوان «رویارویی انسان و شهر» نوشته است، این کارگردان کانادایی را که در انواع ژانرها طبع‌آزمایی کرده است بیشتر با کمدی‌های سبُک شوخ‌وشنگش می‌شناسند که حاصل همکاری او با نمایشنامه‌نویسان بزرگ است، ازجمله با «غریبه‌ها در شهر» (The Out-of-Towners, ۱۹۷۰) که فیلم‌نامه‌اش کار نیل سایمون، کمدی‌نویس مشهور، است و خودش یک فیلم کالت به‌حساب می‌آید. مؤتمن که یکی از دوستداران آرتور هیلر است و همچون او گونه‌های مختلفی را امتحان کرده و اهل اقتباس هم هست فیلم آخر خود، یعنی «چشم‌وگوش‌بسته»، را که مدت کوتاهی از اکران آن می‌گذرد براساس یکی از آثار همین کارگردان کانادایی که «شر نبین، شر نشنو» (See No Evil, Hear No Evil, ۱۹۸۹) نام دارد ساخته است. «چشم‌وگوش‌بسته»، به‌تبع «شر نبین، شر نشنو»، یک کمدی جنایی زوج‌هنری است: جنایتی رخ می‌دهد که تنها شاهدان آن دو مرد هستند، یکی «بهروز شب‌خیز» (امین حیایی) که ناشنواست و دیگری «سعید غلامی» (بهرام افشاری) که نابیناست. پلیس که در صحنه وقوع جرم فقط بهروز و سعید را در کنار جسد مقتول می‌یابد آن‌ها را دستگیر می‌کند و تحت‌بازجویی قرار می‌دهد و...

من فیلم «شر نبین، شر نشنو» را ندیده‌ام، اما در نوشته‌های دیگران خوانده‌ام که فیلم‌نامه‌اش اشکالاتی اساسی دارد. محض اطلاع کسانی که «چشم‌وگوش‌بسته» را ندیده‌اند می‌گویم که فیلم مؤتمن اشکالات فیلم هیلر را هم اقتباس کرده است! ایده خوب اولیه نقش چندانی در پیشرفت داستان ندارد و فیلم بی‌هیچ دلیلی کش می‌آید. به یک نمونه توجه کنید: قاتل، یعنی «نانا» (آناهیتا درگاهی)، و هم‌دستش، یعنی «سروش» (پوریا پورسرخ)، به‌دنبال کیف مقتول هستند که گویا دربردارنده شیئی قیمتی است، اما وقتی آن را به‌دست می‌آورند خیلی زود می‌فهمند که به کاهدان زده‌اند و این کیف آن کیف اصلی نیست؛ پس سراغ بهروز و سعید می‌روند که در بازداشت هستند، مگر آن‌ها خبری از کیف اصلی داشته باشند. در فیلم هیلر عاملان قتل خود را وکیل معرفی می‌کنند، اما در فیلم مؤتمن می‌بینیم که به‌عنوان نمایندگان پاساژ پیش پلیس می‌روند و خیلی راحت موفق می‌شوند با متهمان دیدار کنند، دیداری که نتیجه‌اش هم اصلا معلوم نیست! طرفه آنکه وقتی بهروز و سعید می‌فهمند که این‌ها همان عاملان قتل هستند و با دادوفریاد موضوع را به پلیس می‌فهمانند هیچ‌کس به آن‌ها توجهی نمی‌کند و مجرمان به‌راحتی فرار می‌کنند و داستان بیخود ادامه پیدا می‌کند! شاید کسی بگوید پلیس‌های فیلم احمق هستند و بنابراین هیچ کاری از دستشان برنمی‌آید، اما به‌نظر من حماقت پلیس در فیلم مؤتمن که فیلمساز خیلی هم با آن شوخی کرده است هیچ محملی ندارد، و نیز هیچ کارکردی، جز آنکه به طول فیلم بیفزاید! پس از این اتفاق که در همان دقایق اولیه «چشم‌وگوش‌بسته» شاهد آن هستیم، فیلم صرفا با چند اتفاق پراکنده ادامه می‌یابد. شوخی‌های جنسی، زیرپاگذاشتن مکرر خط‌قرمزها، ارجاعات پیدا و پنهان به فیلم‌های مختلف، هیچکاک‌بازی لوس کارگردان که خودش در صحنه‌ای از فیلم از خیابان عبور می‌کند، هیچ‌کدام، هیچ کمکی به جذابیت فیلم نمی‌کنند. ختم کلام اینکه، اگر از هواداران «شب‌های روشن» هستید، اگر «خداحافظی طولانی» (۱۳۹۳) و «آخرین‌بار کی سحر را دیدی؟» (۱۳۹۴) را دوست دارید، اصلا اگر از خود کارگردان خوشتان می‌آید، با دیدن «چشم‌وگوش‌بسته» به خودتان و مؤتمن و خاطره‌های خوشتان خیانت نکنید!

زندگی با موسیقی

طنین نوای موسیقی خراسان در کرمان

جشنواره موسیقی نواحی با حضور چشمگیر هنرمندان استان پایان یافت

شکیبا افخمی‌راد| دوازدهمین دوره جشنواره موسیقی نواحی، یکشنبه‌شب، بعد از چهار روز میزبانی از ۲۰۰ هنرمند از ۲۰ استان کشور به کار خود پایان داد؛ هنرمندانی که در قالب تک‌نوازی، گروه‌نوازی و بازی‌های سنتی و آیینی روی صحنه رفتند و شهر کرمان را مملو از نوای موسیقی نواحی ایران کردند.

در این دوره از جشنواره هنرمندان خراسانی نیز حضور داشتند و با آوازهای دلنشین خود و نوای سازی چون دوتار، توانستند رضایت هنردوستان را جلب کنند. علاوه‌بر این، خراسان امسال تنها استانی بود که نماینده‌ای از گروه‌های بانوان فعال در کشور داشت. گروه موسیقی «هرای» از قوچان با حضور در این دوره از جشنواره توانستند اتفاقی خوب برای موسیقی خراسان و همچنین جشنواره موسیقی نواحی رقم بزنند. تقدیر از هادی قره‌خانی، خسرو کارگر، عبدا... امینی و عبدالاحد درپور، چهار هنرمند پیش‌کسوت خراسانی، در اختتامیه جشنواره امسال از دیگر اتفاقات خوب برای خراسانی‌ها بود. با به پایان رسیدن این رویداد موسیقی به‌سراغ چندتن از هنرمندان خراسانی شرکت‌کننده در این رویداد رفتیم و درباره اجراهایشان و میزان رضایتشان از این دوره جشنواره به گفت‌وگو نشستیم.

● رقابت برای پیش‌کسوتان معنایی ندارد

محسن عسکریان، فرزند مرحوم استاد ذوالفقار عسکریان، با حضور در این دوره از جشنواره برای سه استاد آواز خراسان، دوتار نواخت. او با غلام‌رسول صوفی، غلام‌حسین غفاری و عبدا... امینی و پسر و نوه‌اش در چند اجرای مختلف روی صحنه رفت.

عسکریان جشنواره امسال را از لحاظ امکاناتی که دراختیار هنرمندان گذاشته شده بود و همچنین از نظر استقبال مردم خوب ارزیابی می‌کند. به‌گفته او، مردم کرمان از اجرای موسیقی محلی خراسان به‌خوبی استقبال کردند و با این موسیقی همراه شدند. این نوازنده در بخش دیگری از صحبت‌هایش به غیررقابتی بودن جشنواره، اشاره و آن را اتفاقی خوب تلقی می‌کند. به نظر او رقابت برای هنرمندان جوان خوب است اما برای استادانی که هرکدام سال‌هاست در عرصه موسیقی فعالیت می‌کنند، معنایی ندارد، تاجایی‌که اگر جشنواره رقابتی باشد، بسیاری از این استادان در آن حضور پیدا نخواهند کرد.

● ضرورت ادامه داشتن جشنواره نواحی

غلام‌حسین غفاری، پیش‌کسوت موسیقی که با همراهی محسن عسکریان در این دوره از جشنواره چهاربیتی‌های عاشقانه و عارفانه فولکلوریک خراسان را اجرا کرد، نیز از نحوه برگزاری جشنواره امسال راضی است. او از مسئولان درخواست می‌کند که برگزاری این جشنواره را ادامه دهند. غفاری می‌گوید: جشنواره‌ها هستند که می‌توانند موسیقی نواحی را زنده نگاه دارند و نسل جوان را با موسیقی اصیل ایران آشنا کنند، بنابراین مسئولان باید به‌درستی در این زمینه فعالیت کنند تا فرهنگ بومی و غنی ما در هیچ مقطعی کم‌رنگ نشود. او در بخش دیگری از صحبت‌هایش، گلایه‌هایی از نحوه برگزاری جشنواره موسیقی فجر مطرح می‌کند: «من در نخستین جشنواره فجر اجرا کردم اما چندین سال است که به جشنواره دعوت نشده‌ام. ما الگوی جوانان هستیم، بنابراین وقتی به ما کم‌محلی شود، بی‌تردید نسل جوان هم دیگر رغبت نمی‌کنند که موسیقی نواحی را دنبال کنند.»

● اجرای منظومه‌های خراسان در کرمان

محمدفاروق درپور به‌همراه ابراهیم تیموری و عبدالاحد درپور در جشنواره دوازدهم حضور داشتند. به‌گفته محمدفاروق درپور، دوتارنواز گروه، بخشی از موسیقی تربت‌جام را منظومه‌ها تشکیل می‌دهند، از این‌رو او و گروهش نیز بخشی از زمان برنامه‌شان در جشنواره نواحی را به اجرای منظومه لیلی‌ومجنون و منظومه یوسف‌وزلیخا اختصاص دادند. این هنرمند توضیح می‌دهد: به‌خاطر طولانی بودن منظومه‌ها و نبود وقت کافی، آن‌ها مجبور شدند بخش‌های کوتاهی از این دو منظومه را اجرا کنند. همچنین به‌مناسبت میلاد رسول اکرم(ص)، این گروه چندین قطعه در مدح حضرت محمد(ص) نواخته‌اند. به نظر درپور نیز رقابتی نبودن جشنواره باعث همدلی بیشتر بین هنرمندان مناطق مختلف کشور می‌شود. او همچنین برگزاری جشنواره موسیقی نواحی را در معرفی این موسیقی به نسل جوان و همچنین آشنایی بیشتر هنرمندان با یکدیگر موثر می‌داند.

● توجه به پیش‌کسوتان

غلام‌رسول صوفی نیز که در جشنواره امسال در کنار نوای دوتار محسن عسکریان دوبیتی‌های عاشقانه خواند، به‌استقبال خوب مخاطبان این رویداد از موسیقی خراسان اشاره می‌کند. به نظر او یکی از مزیت‌های جشنواره امسال، دعوت از دو گروه برگزیدگان جشنواره موسیقی جوان و پیش‌کسوتان موسیقی بوده است. این هنرمند با تاکید بر اینکه پیش‌کسوتان نباید از جشنواره‌ها کنار گذاشته شوند، ادامه می‌دهد: مسئولان نباید بگذارند پیش‌کسوتان در خانه بمانند. پیش‌کسوتان هم دوست دارند تشویق شوند و در کنار مردم به اجرای موسیقی بپردازند. به‌گفته صوفی، زمانی که هنرمند در جشنواره اجرا می‌کند و چند فرد هنردوست را می‌بیند، تشویق می‌شود که کارش را ادامه دهد اما زمانی که کسی سراغش را نگیرد، سازش را کنار می‌گذارد و به‌سراغ کاروکاسبی دیگری می‌رود.

صاحب خبر

رعنا آزادی‌ور به «جیران» پیوست

آغاز پیش‌تولید سریال حسن فتحی برای شبکه نمایش خانگی

نگار راد| حسن فتحی که این روزها مشغول فیلم‌برداری فیلم سینمایی «مست عشق» با بازی شهاب حسینی، پارسا پیروزفر و جمعی از بازیگران اهل ترکیه است، هم‌زمان پیش‌تولید دومین سریالش، «جیران»، را برای شبکه نمایش خانگی آغاز کرده است. بنا به گفته‌های احسان جوانمرد، نویسنده این سریال، «جیران» قرار است زندگی پرفرازونشیب یکی از زنان دربار ناصرالدین‌شاه را که در واقعیت تاریخ نیز وجود داشته است، روایت کند. در این سریال در کنار جیران به شخصیت‌هایی چون ناصرالدین‌شاه، میرزا آقاخان نوری، صدراعظم ایران بعد از امیرکبیر، ملک‌زاده، خواهر ناصرالدین‌شاه و همچنین عده‌ای از رجال و نسوان اوایل عهد ناصری از جمله خدیجه، همسر محمدشاه، پرداخته می‌شود. پیش‌تولید، ساخت و انتخاب لوکیشن‌های «جیران» به‌کارگردانی حسن فتحی در تهران ادامه دارد و معرفی بازیگران آن از هفته گذشته آغاز شده است. پریناز ایزدیار که پیش‌تر در سریال «شهرزاد» با حسن فتحی همکاری کرده بود، اولین بازیگری بود که در روزهای گذشته به «جیران» پیوست. حال جدیدترین اخبار درباره این سریال از قطعی شدن حضور رعنا آزادی‌ور حکایت دارد. آزادی‌ور که تجربه حضور در فیلم‌های سینمایی چون «پارک‌وی»، «درباره الی»، «مارمولک» و «چهارراه استانبول» را در کارنامه دارد، با حضور در «جیران» اولین همکاری‌اش را با فتحی رقم خواهد زد.